

زمانِ جسارت...

نیاز به جسارت دارد، حتی محکم‌تر از آغازِ کار! کندن و جدا شدن و رفتن را می‌گوییم. لازم است با خود روراست باشیم و قبول کنیم که رابطه‌ای را اشتباه آغاز کرده‌ایم. حتی شاید نیازمند این باشد که تکرار کنیم «عشق را در جای نادرستی خرج و سرمایه‌گذاری کرده‌ایم!»

شاید من آدم اشتباهی بوده‌ام برای طرف مقابل یا حتی بالعکس، او برای من مناسب نبوده است. به هر حال هر حساب و کتابی که بوده، درست از آب در نیامده است و امروز به نقطه‌ای غلط و ناکجا رسانده است ما را!

مصادق این چند جمله را بارها در خودمان یا اطرافیان دیده‌ایم. این که چون سالها (یا حتی چند سال) جوانی و عمر و زیبایی‌ام را به پای دیگری ریخته‌ام و همچون سرمایه‌گذاری نادرست، تا اینجای کار را آمده‌ام، دلیلی نمی‌شود که به مسیر نادرست ادامه دهم. شاید کندن و رفتن، امروز همچون سرمایه‌گذاری بریاد رفته به نظر آید اما قرار است در مورد آینده تصمیم بگیریم و این بار باید تصمیمی درست گرفته باشیم. بنابراین اگر درست اندیشیده‌ایم و نتیجه گرفته‌ایم که ادامه دادن و ماندن کاری درست نیست، پس لحظه خرج کردنِ جسارت است.

به قول دوست مشاوره‌ای که با مواردی از این دست زیاد برخورد داشته، می‌گفت: «بکن!... و جامه پوسیده را دور بیفکن! امروز تو نیازمند قبایی تازه هستی تا به مرور زمان روح و روانت را تازه کند... لباسی نو که به روزهای آینده‌ات رنگ زندگی بخشد و حس و حالت را جلا دهد...»

راست می‌گفت. شاید لازم است یکی بنشیند و محکم به آدم بگوید که ترس‌هایت را کنار بگذار و با اعتراف به اشتباه، از ادامه آن جلوگیری کن! امروز اعتراف به خطا به معنای نجات آینده است و نه اصلاح گذشته. آنچه گذشت را نمی‌توان تغییر داد فقط می‌توان آینده را از تاثیر بدی‌های گذشته تا جای ممکن مصون داشت. فقط باید یکی پیدا شود و آدم را نهیب بزند!

چند سطر امروز ارتباط مستقیم با قصه پیش رو ندارد اما روایت قصه به گونه‌ای است که قهرمانان داستان نیازمند آن نهیب، هر یک به گونه‌ای هستند. نویسنده امروز ما دارای سبک کاری خاص خود است که مخاطب شادان نیز آن را شناخته و مورد تأیید قرار داده است. او در یافتن سوژه خاص - مثل این کتاب - و گشتن به دنبال مسائل آن تبحر دارد و همین سوژه را بر بستری از عواطف و احساسات، که لازمه رمان است می‌گسترده و تبدیل به قصه‌ای دلنشین می‌سازد.

شاید فاصله افتادن میان آثار او به دلیل حساسیتی است که نسبت به درخواست مخاطب خود دارد و برای او احترام قائل است، اما هر چه هست امروز نتیجه‌اش در کفه قضاوت شماست. می‌دانم که تأیید می‌کنید.

بهمن رحیمی

فروردین ماه ۱۳۹۷ - تهران